



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده اقتصاد

موضوع:

بررسی روابط متقابل بازارهای مالی، مالیاتها و رشد اقتصادی

جهت دریافت دانشنامه دوره دکتری اقتصاد

استاد راهنما:

دکتر جمشید پژوهان

استاد مشاور:

دکتر مهدی تقوی

دکتر تیمور محمدی

نگارش:

کامران مانی

سال 1387

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

دستانی که برایم زحمت بسیار کشید

سپاس و تشکر :

بر خود لازم می دانم از کلیه بزرگوارانی که در طی این تحقیق مرا یاری کرده اند تشکر نمایم خصوصا از اساتیدی که زحمت راهنمایی، مشاوره و داوری رساله اینجانب را بر عهده داشتند :

- | | |
|--------------------------|-----------------------------------|
| 1- دکتر جمشید پژوهان | استاد راهنما |
| 2- دکتر مهدی تقوی | استاد مشاور |
| 3- دکتر تیمور محمدی | استاد مشاور |
| 4- دکتر جاوید بهرامی | نماینده تحصیلات تکمیلی |
| 5- دکتر حسین عبده تبریزی | داور خارجی برگزیده دانشکده اقتصاد |
| 6- دکتر عباس شاکری | داور داخلی برگزیده دانشکده اقتصاد |
- در نهایت از کل خانواده ، پدر و مادر و خصوصا همسرم که در این مدت مرا تحمل و یاری نمود تشکر و سپاسگذاری می نمایم

چکیده :

رابطه توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی موضوعی است که بطور مشخص از زمان ژوزف شومپیتر به بعد مورد توجه اقتصاد دانان قرار گرفت. تحلیلها و نظریات مختلفی در زمینه توسعه بازارهای مالی و تاثیر آن بر رشد اقتصادی صورت گرفته و در مطالعات تجربی نیز نتایج بسیار مختلفی در این زمینه بدست آمده است. برخی از کشورها مانند کره جنوبی و کشورهای شرق آسیا از توسعه بازارهای مالی خود نتایج خوبی بدست آورده اند. در حالیکه کشورهای آمریکایی مانند مکزیک و اروگوئه از آزاد سازی بازارهای مالی خود نتایج توری قابل ملاحظه ای دریافت کردند. تحقیقات متنوعی اخیراً در زمینه دلایل این امر صورت گرفته است.

برخی عوامل تاثیرگذاری مطلوب بازارهای مالی بر رشد اقتصادی را شرایط مذهبی و فرهنگی کشورها می دانند. عده ای بروکراسی و ثبات سیاسی و گروهی چگونگی سیاست های اقتصادی کشورها را در این زمینه دخیل دانسته اند. ما در این مقاله بر نقش مالیاتها، بر رابطه بازارهای مالی و رشد اقتصادی دریک الگوی رشد درونزا تاکید کرده و این تاثیرگذاری را برای دوره (1992-2003) به عنوان اطلاعات در دسترس مورد توجه قرار می دهیم.

در این بررسی مطالعات داده های تابلویی بیش از 65 کشور جهان نشان می دهند که مالیاتها تاثیر منفی و گسترش روابط تجاری تاثیر مثبتی بر رابطه بازار های مالی و رشد اقتصادی دارند با این وجود تغییر مالیاتها و توسعه بازارهای مالی در منطقه خاور میانه بر رشد اقتصادی تاثیر معنی داری نداشت. نتیجه تحلیل در این مورد عمدتاً به ساختار اقتصادی این کشورها و اتکای بیش از حد آنان به درآمدهای نفتی مربوط می گردد.

فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| 1 | فصل اول کلیات |
| 2 | مقدمه |
| 3 | بیان مسئله و اهمیت موضوع |
| 7 | هدف و علت انتخاب موضوع |
| 7 | روش‌شناسی تحقیق |
| 8 | قلمرو تحقیق |
| 8 | فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق |
| 8 | محدودیت‌های تحقیق |
| 9 | تعاریف واژه‌ها |
| 11 | فصل دوم مبانی نظری تحقیق |
| 12 | مقدمه |
| 13 | بازارهای مالی |
| 16 | بازار پول و سرمایه |
| 17 | طبقه بندی نهادهای مالی |
| 17 | کانال‌های انتقال منابع |
| 18 | مبانی نظری تأثیر بخش مالی در رشد اقتصادی |
| 22 | مدل توسعه مالی « مکینون - شاو » |
| 27 | رابطه بین پس‌انداز و نرخ بهره واقعی |
| 33 | انتقادهایی بر سیاستهای آزاد سازی بازارهای مالی |
| 34 | ساختارگرایان |
| 35 | ساختارگرایان جدید |
| 38 | وجود بازارهای ناقص مالی |
| 38 | نظریه پساکینزی |
| 40 | نظریه پساکینزی در چارچوب اقتصاد کشورهای کمتر توسعه یافته |
| 42 | بازارهای مالی: بانک محور یا بازار محور ؟ |
| 50 | نارسائی‌های بازار مالی |

| | |
|-----|---|
| 57 | فصل سوم بررسی ادبیات تجربی رابطه بین بازارهای مالی و رشد اقتصادی |
| 58 | مقدمه |
| 59 | نگاهی به ادبیات تجربی رابطه بازارهای مالی و رشد اقتصادی |
| 74 | فصل چهارم نقش مالیات در رابطه بین بازارهای مالی و رشد اقتصادی |
| 75 | مقدمه |
| 76 | الف) اثر مستقیم مالیاتها بر رشد اقتصادی |
| 79 | اثر مالیات بر رشد اقتصادی در مدل‌های رشد درون‌زا |
| 83 | - مالیات بر شرکت‌ها |
| 85 | انگیزه‌های موجود در نظام مالیاتی |
| 87 | - مالیات بر درآمد |
| 91 | اثر مالیات بر سرمایه‌گذاری |
| 92 | مالیات بر سود سرمایه |
| 96 | چشم‌اندازی بر سیاست مالیاتی کشورها در زمینه مالیات بر سود سرمایه |
| 97 | ب) تاثیر مستقیم مالیات‌ها بر رشد اقتصادی |
| 97 | ساختار سرمایه شرکت‌ها |
| 97 | منابع تأمین مالی شرکتها |
| 98 | تأمین مالی خارجی |
| 98 | اثرات مالیات بر بازارهای مالی |
| 99 | قرادادهای وام، قرضه و نرخ‌های بهره مشمول مالیات |
| 101 | مالیات بر سود و نقل و انتقال سهام |
| 108 | مالیات بر پس‌انداز |
| 111 | اثر مالیات سرانه بر پس‌انداز |
| 111 | اثر مالیات بر درآمد ناشی از کار بر پس‌انداز |
| 112 | اثر مالیات تناسبی بر مصرف در زمان حال و آینده |
| 112 | اثر مالیات بردرآمد ناشی از کار و بهره بر پس‌انداز |
| 115 | مطالعات انجام شده در زمینه رابطه بین مالیات، رشد اقتصادی و توسعه مالی |
| 125 | جمع‌بندی |
| 127 | فصل پنجم روش‌شناسی تحقیق |

| | |
|-----|---------------------------------------|
| 128 | مقدمه |
| 129 | مروری بر مدل‌های تجربی |
| 134 | تصریح مدل تجربی |
| 137 | برآورد مدل تجربی |
| 172 | نتیجه بحث |
| 173 | فصل ششم خلاصه و نتیجه گیری |
| 174 | خلاصه بحث |
| 176 | عملکرد آزادسازی مالی در کشورهای مختلف |
| 177 | نتیجه گیری |
| 181 | فهرست منابع و مآخذ |
| 182 | الف) منابع فارسی |
| 185 | ب) منابع لاتین |
| 190 | ضمائم |
| 191 | ضمیمه شماره 1 |
| 192 | ضمیمه شماره 2 |

فهرست جداول:

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| 5 | تغییرات نرخ تورم ، نرخ بهره اسمی و واقعی طی سالهای 1370 تا 1343 |
| 6 | مقایسه عملکرد تسهیلات اعطایی بانکها به بخشهای مختلف اقتصادی با میزان مصوب آنها |
| 29 | هزینه مواد غذایی به عنوان درصدی از کل مخارج برای کشورهای منتخب 1990 |
| 30 | نرخهای پس انداز خصوصی برای کشورهای منتخب 1990 تا 1985 |
| 46 | کشورهای بانک محور - بازار محور و خصوصیات آنها |
| 60 | سهم مخارج مواد غذایی از کل بودجه خانوار |
| 87 | سهم مالیات بر شرکتها از کل درآمد مالیاتی کشورها طی سالهای 1992 تا 2003 |
| 90 | مالیات بر درآمد در انواع مدل‌های رشد درونزا |
| 120 | اثرات مالیات گیری روی ساختار تامین مالی |
| 135 | معرفی متغیرهای تابع اول رگرسیونی |
| 142 | نتایج حاصل از برآورد تجربی مدل اول تابع رگرسیونی |
| 143 | ادامه نتایج حاصل از برآورد تجربی مدل اول تابع رگرسیونی |
| 145 | خلاصه گزارش نتیجه حاصل از برآورد مدل اول تابع رگرسیونی |
| 147 | نتایج برآورد تجربی مدل دوم تابع رگرسیونی |
| 148 | ادامه نتایج برآورد تجربی مدل دوم تابع رگرسیونی |
| 152 | کشورهای منا : شاخص جامع توسعه مالی در سال 2001 |
| 156 | آمارهای مقایسه ای اقتصاد غیر رسمی ، درآمد سرانه و جمعیت کشورهای منطقه منا |
| 158 | شروع یک فعالیت اقتصادی |
| 160 | شاخص های مرتبط با ایجاد بنگاههای اقتصادی |
| 162 | مقایسه وضعیت بازار کار کشورهای مختلف منطقه منا |
| 164 | شاخص های مرتبط با دریافت اعتبار |
| 166 | شاخص های مرتبط با حمایت از حقوق سرمایه گذاران |

فهرست نمودارها :

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| 5 | مقایسه نرخ بهره مصوب و بهره تعادلی |
| 21 | وضعیت تعادلی در اقتصاد |
| 21 | تعیین نقش پس انداز در تولید تعادلی |
| 24 | پس انداز و سرمایه گذاری در حالت وجود سقف نرخ بهره |
| 36 | نقش بازار پول سازمان نیافته در تامین مازاد تقاضای پول |
| 49 | نقش موسسات مالی در نظام مالی |
| 53 | کشورهای منطقه منا: مقایسه شاخص های بخش های مختلف بازارهای مالی در سالهای 2002-2003 |
| 77 | اثر مالیات بر تولید نهایی سرمایه |
| 85 | ارزش تولید نهایی در بخش های شرکتی و غیر شرکتی |
| 99 | تاثیر مالیات بر عرضه وام و اعتبارات |
| 100 | تاثیر مالیات بر تقاضای وام و اعتبار |
| 110 | تعادل مصرف کننده و تحلیل مطلوبیت در دوزمان مختلف |
| 111 | تحلیل مطلوبیت در دوزمان در شرایط برقراری مالیات |
| 113 | تحلیل مطلوبیت در دوزمان در شرایط برقراری مالیات(اثر جانشینی و اثر درآمدی) |
| 117 | تاثیر مالیات بر نرخ بازدهی |
| 121 | رشد اقتصادی در شیلی طی سالهای 1960 تا 1996 |
| 122 | رشد تغییرات پس انداز و سرمایه گذاری در طی سالهای 1960 تا 1996 |
| 124 | رشد نسبت اعتبارات بانکی به تولید ناخالص داخلی در شیلی |
| 124 | رشد و تغییر نسبت ارزش سهام مبادله شده به تولید ناخالص داخلی در شیلی |
| 126 | کانالهای اثرگذاری سیاست های مالی دولت |

فصل اول

کلیات

مقدمه:

تا قبل از ارائه نظریات مکینون و شاو در سال 1973، بسیاری از سیاستگذاران بر اساس دیدگاههای مداخله‌گرایانه کینز در اقتصاد و بازارهای مالی مداخله کرده و با کنترل عملیات این بازارها، تلاش می‌کردند تا بر فرایند رشد و توسعه اقتصادی تأثیر بگذارند.

با بیان نظریات مکینون و شاو¹ و پیروان دیدگاه آزادسازی بازارهای مالی، بسیاری از اقتصاد دانان و صاحب‌نظران برای حل مشکلات اقتصادی کشورها، با تأکید بر اهمیت رابطه بین بخش مالی و بخش واقعی اقتصاد، علت کمبود سرمایه‌گذاری، نرخ رشد اقتصادی و وجود فقر در کشورهای در حال توسعه را سیاست‌های نامناسب و مداخله‌گرایانه دولت در بازارهای مالی (و اقتصاد) در نظر گرفتند. حاصل این دیدگاه، ارائه پیشنهاداتی مبنی بر آزادسازی بازارهای مالی و تأثیر آن بر افزایش سرمایه‌گذاری، رشد و توسعه اقتصادی بود. با این وجود مطالعات انجام شده، به خصوص در دو گروه کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین نتایج متفاوتی به بار آورد. از یک سو، آزادسازی بازارهای مالی در کشورهای آمریکای لاتین همراه با آثار تورمی شد و از این طریق بر رشد و توسعه اقتصادی آثار نامطلوبی باقی گذارد و از سوی دیگر در کشورهای آسیایی آزاد سازی بازارهای مالی بسیار موفق بود و بر عکس محدودیت‌ها و کنترل بازارهای مالی باعث کاهش رشد و توسعه اقتصادی گردید.

این مطلب در ایران به این شکل است که از دهه‌های گذشته (قبل و بعد از انقلاب) دیدگاهی که بر سیاستگذاری اقتصادی کشور حاکم بوده براین عقیده است که با کنترل و تغییر وضعیت بازارهای مالی، می‌توان بر رشد و توسعه اقتصادی کشور تأثیر گذارد. در دوره قبل و بعد از انقلاب دوره‌هایی وجود داشته که سیاستگذاران معتقد بودند با کنترل و کاهش نرخ بهره و برقراری سهمیه‌بندی وام و اعتبارات می‌توان باعث بهبود عملکرد اقتصاد شد و در دوره‌هایی نیز اعتقاد بر آن بوده که با کاهش مداخلات دولت در اقتصاد می‌توان به بهبود عملکرد آن کمک کرد. هیچ یک از این دو نظریه در زمان خود نتوانسته‌اند با عملیاتی شدن دیدگاه‌های خود زمینه رشد مطلوب اقتصادی را فراهم نمایند. به همین علت در خصوص تأثیر بازارهای مالی بر رشد اقتصادی و مداخله‌های تأثیر گذار بر آن همچنان بحث و چالش‌های فراوانی وجود دارد. به همین علت تحقیق حاضر به بررسی رابطه بازارهای مالی و رشد اقتصادی پرداخته و برخی زمینه‌ها و مولفه‌های مورد نیاز برای بهبود رابطه بازارهای مالی و

¹ -Makinnon &shaw

رشد اقتصادی خصوصا نقش مالیاتها را بررسی و تحلیل خواهیم نمود. به منظور تحقق این امر در فصل حاضر به بیان مسئله و اهمیت موضوع پرداخته و ضمن ارائه فرضیه ها، در فصول بعدی به ترتیب به:

- مبانی نظری تحقیق در زمینه رابطه بازارهای مالی و رشد اقتصادی
- ادبیات موضوع و تجربی رابطه بازارهای مالی و رشد اقتصادی
- نقش مالیات در رابطه بازارهای مالی و رشد اقتصادی
- روش شناسی تحقیق
- و خلاصه و نتیجه گیری خواهیم پرداخت. داده های اقتصادی مورد استفاده، اطلاعات مربوط به بیش از 65 کشور جهان می باشد که برای فاصله زمانی 1992 تا 2003 بدست آمده اند.

بیان مسئله و اهمیت موضوع:

شومپیتر (1911) بر این باور بود که رشد و توسعه اقتصادی حاصل آن تغییرات تعادلی است که از نیروهای درونی اقتصاد نشأت گرفته باشد و بازارهای مالی با تأمین وام و اعتبار برای نوآوران اقتصادی می توانند زمینه این سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را فراهم نمایند. بعد از او بسیاری از محققان به مطالعه بیشتر رابطه بازارهای مالی و رشد اقتصادی پرداختند. برای مثال مکینون و شاو¹، کاپور²، ماسیسون³ و فرای⁴ و... در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که کاهش مداخلات دولت و آزاد سازی بازارهای مالی می تواند باعث افزایش دسترسی بخش خصوصی به منابع مالی و سرمایه گذاری گردد. این مطالعات پیوسته ادامه داشته است. لوین⁵ (1993) توضیح می دهد که رابطه ای سیستماتیک بین توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی وجود دارد و کشورهایی با بازارهای مالی توسعه یافته تر، به طور متوسط دارای رشد اقتصادی بالاتری در مقایسه با کشورهایی با نظام های مالی کمتر توسعه یافته دارند. برخی دلایل ارائه شده در این زمینه، عبارتند از این که چون بازارهای مالی وظیفه:

- مبادله، متنوع سازی و مدیریت ریسک
- تجهیز و انباشت بهتر پس اندازها

¹-Makinnon &shaw(1973)

²-Kapur

³-Mathieson

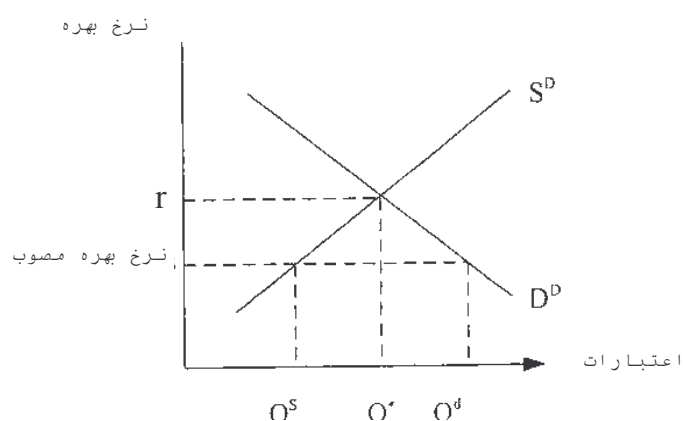
⁴-Fry

⁵-Levine

- تسهیل مبادله کالاها و خدمات

- نظارت بر عملکرد مدیران و کنترل فعالیت آنها، را بر عهده دارند، بازارهای مالی توسعه یافته‌تر در ارزیابی طرح‌های نیازمند به منابع مالی بهتر عمل کرده و باعث ایجاد بازده (متوسط) بالاتری برای سپرده‌گذاران خود می‌شوند. وجود واسطه‌های مالی باعث می‌شود تا افراد پس‌انداز را به مصرف ترجیح داده و خویشتن را در برابر شوک‌های نقدینگی بیمه کنند. از آنجائیکه واسطه‌های مالی، با مدیریت، توزیع و متنوع‌سازی ریسک، در برابر شوک‌های نقدینگی، خود و سپرده‌گذاران خود را بهتر اداره می‌کنند، هزینه بیمه و مصونیت در برابر شوک‌های نقدینگی نزد آنان کمتر خواهد بود. بر اساس دیدگاه‌های نظریه‌پردازان بازارهای مالی، توسعه این بازار، نقش قابل توجهی بر رشد و توسعه اقتصادی خواهد داشت اما نتایج تجربی حاصل از توسعه بازارهای مالی در مناطق مختلف جهان متفاوت است. برای مثال گرچه در آسیا نقش بازار مالی سرکوب نشده در تجهیز پس‌اندازها و تخصیص آن برای سرمایه‌گذاری‌ها مورد تأیید قرار گرفته و باعث رشد و توسعه اقتصادی گردیده است ولی در عین حال در منطقه آمریکا توسعه بازارهای مالی همراه با تورم و بی‌ثباتی اقتصادی گردید. آرژانتین، بولیوی، برزیل، کاستاریکا، مکزیک و اروگوئه از جمله کشورهایی بودند که با آزادسازی بازارهای مالی خود با آثار تورمی افزایش نرخ بهره مواجهه شدند. در ایران نیز سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه بازارهای مالی نشان می‌دهند که تأثیرگذاری بازارهای مالی بر رشد اقتصادی پذیرفته شده است اما در مورد مولفه‌های موثر بر این رابطه و ابزارهای تأثیرگذاری مطلوب بازارهای مالی بر رشد اقتصادی چالش وجود دارد.

بازار رسمی پولی ایران با کنترل و مداخله دستوری دولت مواجه است. این مداخله بیشتر به صورت تعیین مکانیکی و دستوری نرخ‌های بهره، تعیین سقف اعتبارات اعطایی به بخش‌های اقتصادی، تسهیلات تکلیفی و ... خودنمایی می‌کنند. دولت با تعیین دستوری نرخ بهره، باعث می‌شود تا نرخ بهره اسمی (نرخ سود) قابلیت تغییر زیادی نداشته باشد و بر عکس نرخ‌های بالای تورم باعث می‌شوند تا نرخ بهره (سود) واقعی به سمت اعداد منفی پیش روند. پیامد این امر افزایش تقاضا برای دریافت وام و اعتبارات و کاهش عرضه منابع مالی مازاد به صورت پس‌انداز است. نمودار زیر این مطلب را نمایش می‌دهد:



نمودار (1) - نقاط روی عرضه سرمایه گویای هزینه سرمایه و نقاط روی تقاضای سرمایه گویای نرخ بهره‌وری سرمایه است.

جدول (1) - تغییرات نرخ تورم، نرخ بهره اسمی و واقعی طی سالهای 1343 تا 1370¹ (ارقام درصد)

| سال | نرخ تورم | نرخ بهره اسمی | نرخ بهره واقعی |
|------|----------|---------------|----------------|
| | 3/9 | | 3/1 |
| | 2/2 | 7 | 4/7 |
| | - 0/7 | 7 | 7/7 |
| 1343 | 1/5 | 7 | 5/5 |
| 1344 | 0/7 | 7 | 6/3 |
| 1345 | 3/6 | 8 | 4/4 |
| 1346 | 2/1 | 8 | 5/9 |
| 1347 | 4/1 | 8 | 3/9 |
| 1348 | 5/9 | 8 | 2/1 |
| 1349 | 9/9 | 8 | - 1/9 |
| 1350 | 14/7 | 8 | - 6/7 |
| 1351 | 12/8 | 9/5 | - 4/8 |
| 1352 | 10/9 | 9/5 | - 2/4 |
| 1353 | 27/5 | 8/5 | - 18 |
| 1354 | 11/7 | 8/5 | - 2/2 |
| 1355 | 10/5 | 8/5 | - 2 |
| 1356 | 20/5 | 8/5 | - 12 |
| 1357 | 24/3 | 8/5 | - 15/8 |
| 1358 | 18/7 | 8/5 | - 10/2 |
| 1359 | 19/7 | 8/5 | - 11/2 |
| 1360 | 12/6 | 8/5 | - 4/1 |
| 1361 | 4/4 | 8/5 | 4/1 |
| 1362 | 18/4 | 8/5 | - 9/9 |
| 1363 | 28/6 | 8/5 | - 20/1 |
| 1364 | 28/6 | 8/5 | - 20/1 |
| 1365 | 22/3 | 10/57 | - 13/1 |
| 1366 | 7/6 | 11/8 | 3/15 |
| 1367 | 17/1 | | - 5/3 |

ماخذ: بانک مرکزی ایران. گزارشهای سالانه و تراز نامه بانک مرکزی در سالهای گوناگون.

¹ - بعد از 1356 به جای نرخ بهره، نرخهای سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری جایگزین شده‌اند.

تعیین سقف‌های اعتباری برای بخش‌های مختلف اقتصاد به منظور هدایت منابع به بخش‌های ستاره‌دار (الویت دار) اقتصادی صورت می‌گیرد. برای نمونه در طی سال‌های 72 - 1368، بانک‌ها مکلف بودند تا افزایش درمانده تسهیلات به بخش غیر دولتی را بر اساس برنامه مصوب اجرا کنند اما عملکرد آنها چنانکه مشاهده می‌شود از برنامه مصوب انحراف داشت.¹

جدول (2)، مقایسه عملکرد تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش‌های اقتصادی با میزان مصوب طی سال‌های 73 - 1363 (ارقام: درصد)

| سال | 1364 | 1366 | 1368 | 1370 | 1372 | 1373 |
|-------------------------|----------|------------|----------|------------|----------|----------|
| بخش اقتصادی | مصوب | عملکرد | مصوب | عملکرد | مصوب | عملکرد |
| کشاورزی | 19 20 | 14/2 20 | 18 26 | 18 20 | 18 19 | 25 - |
| صنعت و معدن | 13 20 | 17 8 | 21 28 | 32 37 | 12 36 | 15 32 |
| ساختمان و مسکن | 19 10 | 34/3 8 | 33 18 | 32/8 32 | 16 30 | 29 - |
| بازرگانی - خدمات و سایر | 19 0 | 34/5 - | 15 27 | 17/2 11 | 14 15 | 15 12 |

مأخذ: بانک مرکزی، گزارش‌های سالیانه.

از نگاه منتقدین، بانک‌ها به دلیل افزایش تقاضا برای منابع مالی، تمایلی به اعطای اعتبارات به فعالیت‌های پر ریسک ندارند و لذا منابع مالی خود را به پروژه‌های زود بازده و کم ریسک اختصاص می‌دهند.

دو دیدگاه موافق و مخالف برای این کانالیزه شدن اعتبارات وجود داشته و دارد. موافقین معتقدند که بازار مالی کارا عمل نمی‌کند لذا اعتبارات بطور مطلوب به بخش‌های کلیدی اقتصاد نمی‌رسد. مخالفین نیز بر این عقیده هستند که مکانیزم بازار مالی سرکوب نشده، اعتبارات را به پروژه‌های با ریسک کم و بازدهی معقول، بدون توجه به بخش مربوطه اختصاص می‌دهد. برای مثال اگر در بخش کشاورزی پروژه ای با بازدهی خوب و ریسک کم وجود داشته باشد اعتبار دریافت می‌کند و لاغیر.

در واقع بازارهای مالی نیازهای نهفته سرمایه‌گذاران را در قالب معاملات مالی محقق ساخته و شرایطی مناسب برای استفاده از منابع قابل سرمایه‌گذاری فراهم می‌آورند. اما برای تاثیرگذاری مطلوب بازارهای مالی بر رشد اقتصادی مولفه‌های متعددی دخیل هستند. برای مثال کیفیت قوانین حمایتی، ثبات سیاسی و اقتصادی و... می‌توانند باعث بهبود یا تضعیف آن گردند. تغییر مالیات یا نظام مالیاتی

¹ دکتر مسعود نیلی و همکاران، اقتصاد ایران، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، 1376 (صفحه 53 تا 130).

یکی از این موارد است. بطور کلی طرفداران اجرای سیاست‌های مالیاتی بر این عقیده‌اند که مالیات، نوسانات بازار را کم کرده و معاملات اضافی را کاهش می‌دهد. در هر نظام اقتصادی، مالیات یکی از مهم‌ترین ارکان آن نظام تلقی می‌گردد. گسترش و تنوع فعالیت‌های اقتصادی از یک سو و نقش رو به افزایش دولت‌ها از سوی دیگر، در جهت ایجاد و گسترش خدمات عمومی، تأمین اجتماعی و گسترش تعهدات دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مسئله‌ای مهم و تأثیرگذار تبدیل کرده است. می‌توان بحث کرد که تغییر مالیات‌ها در زمان توسعه بازارهای مالی، رشد اقتصادی را چگونه تحت تأثیر قرار خواهد داد؟ و از این طریق می‌توان به راه‌های تشدید تأثیرگذاری مطلوب توسعه بازارهای مالی بر رشد اقتصادی رسید.

هدف و علت انتخاب موضوع:

در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، سرکوب مالی وجود داشته و نظام مالی از شرایط توسعه نیافته‌ای برخوردار می‌باشد. بانکها توانایی پاسخگویی به نیاز مالی بنگاه‌های اقتصادی را در حد مطلوب ندارند و بورس اوراق بهادار نیز فاقد توانایی تأمین نیازهای مالی بنگاه‌ها برای توسعه مطلوب اقتصادی است. در این شرایط بعضی بر این باورند که با توسعه بازارهای مالی می‌توان سبب افزایش رشد اقتصادی شد. اما تجربیات به دست آمده در کشورهای مختلف دنیا، در این زمینه یکسان نیست. عوامل مختلفی مانند قوانین نامناسب، افزایش اخذ مالیات‌ها و محدودیت‌های روابط تجاری بر این چرخه اثر گذار بوده‌اند. هدف ما در این تحقیق مشخص کردن اثر موارد مذکور بر بازارهای مالی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی است. در واقع با تأکید بر اثر مالیات‌ها می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که آیا افزایش مالیات‌ها به عنوان یک عامل سیاست‌گذاری از عوامل باز دارنده گسترش و توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی می‌باشند یا نه..

روش‌شناسی تحقیق:

این تحقیق کاربردی، از نظر روش اجرا توصیفی - تجربی است. ابتدا با استفاده از مبانی نظری رابطه و تأثیر مالیات‌ها بر بازارهای مالی و رشد اقتصادی را توضیح داده و سپس با انتخاب رگرسیون داده‌های

تابلویی^۱ با اثرات ثابت^۲ و نیز بهره مندی از روش گشتاورها^۳ ارتباط مالیاتها با بازارهای مالی و رشد اقتصادی در مجموعه کشورهای منتخب (اطلاعات در دسترس) آزمون می‌گردد.
منابع و مأخذ آماری در این تحقیق عبارتند از:

- Government finance statistics (GFS) 2006.
- World Development Indicators (WDI) 2006.
- International Financial statistics (IFS) 2006.
- year book (سازمان ملل متحد)
- International Country Risk Guide (ICRG).
- World Fact Book 2006.(CIA)

ضمن اینکه از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری مبانی نظری تحقیق نظیر کتب و مقالات و ... نیز استفاده گردید.

قلمرو تحقیق:

قلمرو تحقیق آمارهای اقتصادی کشورهای منتخب (اطلاعات در دسترس) را برای سالهای 2003-1992 بمنظور تحلیل تأثیر مالیاتها بر توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی است.

فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق:

سؤالات اصلی تحقیق در این رساله این است که:

- آیا توسعه بازارهای مالی بر رشد اقتصادی تأثیر معنی‌داری دارد؟
- آیا مالیاتها تأثیر معنی‌داری بر رابطه توسعه بازار مالی و رشد اقتصادی دارند؟
- این پرسشها به شکل سه فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرند. فرضیه‌ها عبارتند از:
 - توسعه بازارهای مالی (طبق شاخص‌های این تحقیق) بر رشد اقتصادی تأثیر معنی‌داری دارند.
 - کاهش مالیاتها (طبق شاخص‌های این تحقیق) تأثیر معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد.
 - کاهش مالیاتها (طبق شاخص‌های این تحقیق) تأثیر معنی‌داری بر بازارهای مالی دارد.

1- Panel Data

2- Fixed effects

3- GMM

محدودیت‌های تحقیق:

در اینجا ضمن تشکر از همکاریهای کتابخانه بانک مرکزی جمهوری اسلامی، کتابخانه واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز اسناد علمی و دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور، باید گفت که محدودیت‌های اصلی در این تحقیق کمبود آمار و اطلاعات در دسترس و محدودیت منابع اطلاعاتی بود. حداکثر اطلاعات بدست آمده برای دوره 2003 - 1992 می‌باشد طبیعی است توسعه محدوده زمانی آمارهای مورد استفاده، می‌تواند روش و نتایج تحقیق را بهبود بخشد.

تعاریف واژه‌ها

• رشد اقتصادی¹: که در لغت به معنای بزرگ شدن است در اصطلاح اقتصادی به معنای افزایش تولید ناخالص ملی یک کشور در یک دوره معین می‌باشد. اما در بسیاری از مطالعات تجربی به صورت زیر کمی پذیر می‌گردد:

$$g = \frac{y_t - y_{t-1}}{y_{t-1}}$$

• سرمایه‌گذاری²: که در اینجا منظور سرمایه‌گذاری خالص است عبارت از مقدار اضافه شده به موجودی و انباشت سرمایه در هر سال می‌باشد:

$$K = I \Delta$$

• سرکوب مالی³: اشاره به مداخله دولت در نظام مالی می‌کند که معمولاً باعث کاهش سطح فعالیت و کارایی این نظام می‌شود. برای مثال تعیین دستوری نرخ بهره، ایجاد مالیات تورمی، سهمیه‌بندی اعتبارات و ...

• آزادسازی مالی⁴: عبارت از حذف مداخلات دولت در نظام مالی و رفع موانع توسعه بازارهای مالی است.

• توسعه مالی⁵: شامل کلیه امور مرتبط با بهبود در:

- تولید اطلاعات درباره سرمایه‌گذاری‌های ممکن و تخصیص سرمایه

- نظارت بر شرکت‌ها و کنترل آنها پس از تحصیل اعتبار و منابع مالی

1- Growth Economic

2- Investment

3- Financial Repression

4- financial liberalization

5- Financial Development

- مبادله، متنوع سازی و مدیریت ریسک

- تجهیز و انباشت بهتر پس اندازها

- و تسهیل مبادله کالا و خدمات، می باشد.

• تعمیق مالی^۱: عبارت از در دسترس بودن منابع مالی بیشتر برای مبادلات می باشد. برای شاخص

تعمیق مالی معمولاً از نسبت $\frac{M_2}{GDP}$ استفاده می شود ولی گاهی از نسبت های دیگری نیز در این خصوص استفاده میگردد.

• پایه مالیاتی^۲: معیار یا ارزشی است که مالیات بر آن برقرار می شود.

• نرخ مالیاتی^۳: تعیین کننده نسبتی از پایه مالیاتی است که به صورت مالیات می باید پرداخت شود.

• مالیات های مستقیم^۴: به مالیات هایی گفته می شود که به طور مستقیم بر افراد، خانوارها و بنگاه ها برقرار می شوند.

• مالیات های غیر مستقیم^۵: مالیات هایی را در بر می گیرند که به طور غیرمستقیم بر کالاها و خدمات برقرار می شوند.

1- Financial Depth

2 - Tax basis

3 - Tax Rate

4 - Direct Tax

5 - Indirect Tax